

خلقت زن در اسلام؛ فراتری یا فروتری

محمدرضا کدخدایی^۱

چکیده

از نظر اسلام، زن و مرد در ماهیت و جوهره انسانی، مبدأ آفرینش، منشأ مادی، مساوی بودن در خلقت، هدف نهایی خلقت، ابزار و استعدادهای لازم برای رسیدن به هدف نهایی با یکدیگر مشترک هستند. با وجود این برخی گزاره‌های دینی توصیفی به ظاهر متفاوت و متهاافت از هویت و منزلت زن به تصویر می‌کشد. شیوه خلقت زن، توصیف زنان به شرارت، عورت و کشتزار، از جمله مواردی است که منشا شبهه در مورد هویت زن و تلقی فروتری او شده است. در این نوشتار بر آنیم، دلالت گزاره‌های برگرفته از متون دینی را با روش نقلی و عقلی بررسی کنیم. بدین منظور بعد از اشاره اجمالی به محکومات قرآن و روایات در تبیین هویت و منزلت زنان، گزاره‌های متشابه مذکور را بر آن عرضه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: خلقت زن، منزلت زن، هویت زن، زن در اسلام

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

مقدمه

بر پایه این پیش فرض قرآنی که زن و مرد هر دو صنفی از انسان هستند و از یک گوهر وجودی خلق شده‌اند و هدف نهایی از خلقت آن‌ها رسیدن به مقام خلافت و نزدیک شدن به جایگاه الهی در پرتو بندگی و اطاعت است، چگونه برخی گزاره‌های قرآنی و روایی در خصوص فراتری یا فروتری زن نسبت به مرد تحلیل پذیر است؟ اگر روایت «اکثر الخیر فی النساء» را از امام صادق علیه السلام بپذیریم، روایت «المرأة شرّ کلّها» در کلام علوی چگونه قابل تبیین خواهد بود؟ اگر روایت «حبّ النساء من أخلاق الأنبياء» صحیح باشد، چرا در برخی روایات، اولین مهلکه و دلیل معصیت الهی «حبّ النساء» معرفی شده است؟ اگر در روایات وارد شده از معصومان علیهم السلام محبت به زنان نشانه ایمان است، پس چرا در برخی دیگر شمشیر شیطان تلقی گردیده است؟ اگر بهشت زیر پای مادران است، چرا در روایتی مقرر می‌دارد: «اگر زنان نبودند همه مردم به بهشت می‌رفتند»؟ اگر زنان را مظهر صفات جمالیة الهی می‌دانیم، پس چرا در برخی روایات به «عورت» تشبیه شده‌اند؟ اگر روایات متعدد حضرات معصومین علیهم السلام در مورد رحمت، برکت، ریحانه و باقیات الصالحات بودن فرزندان دختر را بپذیریم، چرا دستور العمل‌های متعددی در خصوص پسر شدن فرزندان وجود دارد، ولی در مورد دختر شدن روایتی نیست؟ و ده‌ها پرسش دیگر درباره گزاره‌های دینی که فراتری یا فروتری زنان را، علاوه بر حوزه تکوین، در حوزه‌های ارزشی و حقوقی نیز به ذهن می‌رساند. پرسش اصلی این است که آیا حقیقتاً می‌توان از این گزاره‌ها، فراتری یا فروتری زنان را در اندیشه اسلامی نتیجه گرفت؟ آیا معیار روشن و درخور دفاعی برای استنباط نظر واقعی اسلام از این روایات به‌ظاهر متفاوت، وجود دارد؟ برای استنباط نظر

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

اسلام از روایات مربوط به زنان، بایستی چه نکات یا اصولی را مدّ نظر قرار دهیم تا استنباطی شایسته و صحیح از گزاره‌های دینی داشته باشیم؟

روش و نظام‌واره‌ ارائه مباحث

قضاوت درباره فراتری و فروتری، ماهیتاً از جنس ارزش‌گذاری و نیازمند ملاک است. فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق به‌عنوان مهم‌ترین علوم دستوری و ارزشی، داعیه‌دار تبیین این معیارهاست، اما اثبات این معیارها و ملاک‌های ارزشی نیز در گرو مباحث هستی‌شناسانه است؛ بنابراین، شناخت حقیقت انسان، مؤلفه‌های انسانیت، ابعاد وجودی بشر، آغاز و انجام جهان، ارتباط انسان، هستی و هدف، سعادت و شقاوت، موانع، استعدادها و... به‌مثابه اصلی‌ترین مباحث هستی‌شناسانه از مبانی این مباحث ارزشی است. افزون‌بر این، روش شناخت، ارزیابی و نقد مبانی هستی‌شناسانه و ارزش‌شناختی، حوزه وسیعی از مباحث راه و راهنماشناسی و معرفت‌شناختی را فراوری ما قرار می‌دهد که گذر از آن برای دستیابی به حقیقت و دفاع عقلانی از آن ضرورت دارد. براساس این تبیین، بررسی موضوع این نوشتار با علومی، مثل: معرفت‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، هدف و معادشناسی، راه و راهنماشناسی، ارزش‌شناسی و فلسفه اخلاق و حقوق، پیوندی عمیق و تعیین‌کننده خواهد داشت که غفلت، خطا یا انحراف از حقیقت در عرصه این علوم، ممکن است به خطا در قضاوت در مورد فراتری و فروتری زنان نیز ختم شود.

در این نوشتار می‌کوشیم ضمن توجه به وضعیت مطلوب، مهم‌ترین لغزشگاه‌هایی را که زمینه‌ساز انحراف و شبهه می‌گردد نیز مدّ نظر قرار داده، به تبیین جایگاه زن در نظام خلقت و تکوین پردازیم

زن در نظام خلقت از نظر آیات و روایات

تبیین نظام شخصیت زن در سه عرصه: خلقت، ارزش‌ها و حقوق مطرح می‌شود. توصیف مقایسه‌ای این سه‌حوزه در اشتراک‌ها و تفاوت‌ها، برای داوری درباره فراتری یا فروتری، ضرورت دارد.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
په‌مار ۱۳۹۵

الف) مشترکات تکوینی

شوپنهاور، فیلسوف مشهور آلمانی (۱۷۸۸-۱۸۶۰) تا اواخر قرن نوزدهم میلادی زن را چون حیوانی با گیسوان بلند و افکار کوتاه معرفی می‌کرد و او را از دایرهٔ انسانیت خارج می‌دانست، نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) در اوج دوران مدرن، با تشبیه زنان به برخی حیوانات، از ضرورت مملوکیت و محبوس کردن زن برای خدمت‌کاری سخن به میان آورد، فروید (۱۸۵۶) همواره با تأکید بر واقعیت آختگی زن، بر کهنتری او نسبت به مرد تأکید داشت، ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸)، نظریه‌پرداز قرارداد اجتماعی و حقوق شهروندی، طبیعت زنان را ضعیف توصیف می‌کرد و با این استدلال که: «حقوق برای انسانی است که به واسطهٔ خردمندی از حیوان متمایز شده و چون در خردورزی زن تردید است، لذا نمی‌توان او را واجد حقوقی دانست»؛ با این استدلال زن را فاقد مشخصه‌های بالفعل برای شهروندی می‌دانست. (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲) و سرانجام فیلسوفان بسیاری دیگری نیز در دوران مدرن، دربارهٔ فروتری خلقت زن، مطالبی همگون با آنچه گفته شد، عنوان کرده‌اند (بنوات‌گرو، ۱۳۷۷، ص ۸۰)

از نظر اسلام و گزاره‌های دینی آن، زن و مرد در ماهیت و جوهرهٔ انسانی، مبدأ خلقت، منشأ مادی و تعادل در خلقت، هدف خلقت، ابزار و استعدادها لازم برای رسیدن به هدف خلقت با یکدیگر مشترک‌اند و البته برخی تفاوت‌های جسمی و مادی نیز دارند.

اشتراک در مبدأ خلقت

برخی فلاسفهٔ یونان، مثل ارسطو خاستگاه خلقت زن و مرد را متمایز می‌داند و زن را به‌عنوان نخستین شرور و ناشی از انحراف در طبیعت قلمداد می‌کند، پولس در کتاب مقدس مرد را جلال و شکوه خدا و زن را جلال و شکوه مرد قلمداد می‌کند^۱ و «تفسیر تلمود» در یهودیت حفظ از شرّ دختر داشتن را ترجمان دعای «خدا تو را حفظ کند» و دعا برای صاحب فرزند پسر شدن را ترجمان «خداوند تو را برکت دهد» می‌داند، لکن از نظر اسلام، زن و مرد هر دو از یک‌گوهر وجودی خلق شده‌اند^۲ و خالق هر دو، دست توانای

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۱. نامهٔ اول پولس به مسیحیان قرنتس، بخش ۱۱، آیات ۸-۱۰.

۲. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾. (نساء: ۱۲)

خداوند متعال است،^۱ که به واسطه خلقت زن و مرد، مدال «أحسن الخالقین» را منحصر به خویشتن کرد^۲ و هردو را مایه برکت و ثبوت خیر کثیر الهی معرفی نمود.^۳

اشتراک در منشأ مادی خلقت

برخی فلاسفه یونان نطفه مرد را خاستگاه روح و نطفه زن را خاستگاه جسم می‌دانند، (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۳) لکن از نظر قرآن کریم، منشأ مادی و معنوی خلقت زن و مرد مشترک است. منشأ اولیه خلقت مادی زنان و مردان به‌طور مشترک، از خاک، گل، گل، چسبنده و لجن سیاه بدبو اعلام شده و پس از آن، همه انسان‌ها همگی از نطفه به‌وجود می‌آیند.^۴

اشتراک در خلقت متعادل

اندیشه‌های افراطی (رادیکال) در بین فمینیست‌ها قابلیت زایمان، شیردهی و برخی ویژگی‌های زیستی و مراقبتی زن را عامل اصلی ستم‌پذیری زنان می‌دانند و کیفیت خلقت زن را ظلم طبیعت در حق آنان قلمداد می‌کنند، (تانگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱؛ و نیز ر.ک: فریدمن، [بی تا]، ص ۱۱۲ و ابوت و والاس، ۱۳۷۶، ص ۴۰) برخی فمینیست‌های پسامدرن متأثر از نظریه تکاملی «داروین»، ویژگی‌های زیست‌شناختی زنان را شکل تکامل‌یافته خلقت و ویژگی‌های زیست‌شناختی مردان را به اجداد تکامل‌نیافته خود، از میمون‌ها و گوریل‌ها، تشبیه می‌کنند (ر.ک: پیز، ۱۳۸۲، ص ۱۷ - ۵۳) و در دو سوی افراط و تفریط قرار می‌گیرند؛ لکن در نگره قرآن کریم، «استوای در خلقت مادی» از ویژگی‌های تکوین و خلقت زن و مرد معرفی می‌شود.^۵ استوای در خلقت به این معناست که هرکدام از اجزای بدن زن و

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

۱. «وَ أَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ». (نجم: ۴۵)
۲. «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَنَّاكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ». (مؤمنون: ۱۴)
۳. ر.ک: تفسیر آیه: «فتبارک الله احسن الخالقین»؛ (طباطبایی: ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱).
۴. غافر: ۶۷، مؤمنون: ۱۲، صافات: ۱۱، رحمن: ۱۴، حجر: ۲۶، حجر: ۲۸، حجر: ۳۳، رحمن: ۱۴، سجده: ۷، صافات: ۱۱، ص: ۷۱، ص: ۷۶، ذاریات: ۳۳، آل عمران: ۵۹، کهف: ۳۷، حج: ۵، روم: ۲۰، فاطر: ۱۱، مؤمنون: ۱۴.
۵. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ». (حجر: ۲۸-۳۰)

مرد به گونه‌ای شایسته و به بهترین شکل در جای خود قرار گرفته و آنان را مصداقی با ارزش و متعالی، اما متفاوت در نظام احسن خلقت قرار داده است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۵)

اشتراک در ماهیت انسانی، استعدادها و لوازم آن

۱) اشتراک در منشأ معنوی و الهی خلقت

روح الهی که جوهره اصیل و منشأ معنوی همه انسان‌ها و نشئه‌ای از روح الهی و دلیل اصلی کرامت و فضیلت انسانی است و او را مسجود بهترین مخلوقات الهی قرار می‌دهد، در زن و مرد مشترک است و اصالتاً متصف به تذکیر و تأنیث نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۷۳ - ۷۷)

۲) اشتراک در مقومات انسانیت

از نظر قرآن کریم خداوند متعال همه آنچه را که قوام انسانیت بشر بوده، به بهترین شکل، در وجود زن و مرد خلق کرده است؛ به عبارت دیگر، برخلاف بسیاری از حکما و فلاسفه غربی در قرون وسطا که برای بررسی انسان یا حیوان بودن زن کنفرانس‌های علمی برگزار می‌کردند و حتی برخی فلاسفه حقوق بشری دوران مدرنیسم که زن را اساساً از حوزه انسانیت خارج می‌دانستند، از نظر قرآن کریم، انسانیت زن و مرد امری مفروض است که برای رسیدن به هدف خلقت انسانی، بهترین شکل خلقت در هر دو جنس به کار برده شده است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۱)

روح الهی، ابزار ادراکی^۱، فطرت الهی^۲، وجدان اخلاقی^۳، حمل امانت الهی^۴ و کرامت

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

۱. «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده: ۹)؛ «سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، اما کمتر شکر نعمت‌های او را به جا می‌آورید».

۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

۳. «فَالْتَهُمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس: ۸)؛ سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است.

۴. برای اطلاع از اینکه مراد از امانت الهی چیست ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴ در تفسیر آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ (احزاب: ۷۲) ما امانت

اعطایی از طرف خداوند متعال^۱، همگی در زن و مرد به‌عنوان یک انسان، به‌گونه‌ای مشترک به ودیعه گذاشته شده است.

اشتراک در اهداف آفرینش

۱) اشتراک در هدف نهایی خلقت

بسیاری از فیلسوفان و نظریه‌پردازان باستان و معاصر غربی و براساس متون مقدس در دست یهودیان و مسیحیان، مرد و خدمت به مرد، هدف نهایی خلقت زن ترسیم شده است. حتی افراطی‌ترین گرایش‌های فمینیستی نیز با ظالمانه دانستن برخی تفاوت‌های زیستی و روانی زن و مرد، برابری در تکوین را نیز از آرمان‌ها و اهداف نهایی فمینیستی معرفی می‌کنند (تانگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱) اما از نظر آیات متعددی از قرآن کریم، نزدیک شدن به جایگاه ربوبی در پرتو عبودیت و اطاعت از فرامین الهی، هدف نهایی مشترک انسان، اعم از زن و مرد است؛ هدفی که انسان را با فعلیت‌بخشی، به استعداد جانشینی خدا بر روی زمین و رسیدن به کمال مطلق و سعادت ابدی رهنمون می‌سازد و معیار اصلی ارزش‌گذاری بر انسان‌ها تلقی می‌شود.^۲ بنابراین، هدف مشترک نهایی، مهم‌ترین معیار و سنگ بنای قضاوت درباره فراتری و فروتری مخلوقات الهی و نقطه تراز قضاوت در مورد دیگر اهداف تبعی و ابزاری، حقوق و تکالیف و استعدادهای تکوینی است.

۲) اشتراک در بسیاری از اهداف تبعی

مشخصه اهداف تبعی آن است که با معیار هدف نهایی ارزیابی می‌شود. اگرچه همه

(تعهد، تکلیف و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر برتافتند و از آن هراسیدند، اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود» [چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد].

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»؛ (ذاریات: ۵۶) من جن و انس را نیافریدم جز برای این‌که عبادت کنند» [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند].
۲. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ (حجرات: ۱۳) ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

انسان‌ها (زن و مرد نسبت به هم یا بین خودشان)، در برخورداری از نعمت‌ها و درجات مادی و معنوی در شرایط متفاوتی هستند، همه این برخورداری‌ها و محرومیت‌ها به‌مثابه امتحان و ابتلائات الهی است.^۱ البته زن و مرد در برخی اهداف و ارزش‌های تبعی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که امکان اتصاف به فراتری و فروتری در اهداف تبعی، درباره آن‌ها صادق است، ولی این فراتری و فروتری مطلق نیست. براساس آیه ۱۳ سوره حجرات، هرگونه فراتری و فروتری زن و مرد یا نژادهای مختلف نسبت به یکدیگر انکارشده و تنها تقوا و عبودیت الهی معیار و محک حقیقی برای فراتری و فروتری زن و مرد و تک‌تک انسان‌ها قلمداد می‌شود؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج، ص ۳۲)

۳) اشتراک در مهلکات و موانع رسیدن به هدف

نفس اماره، گرایش به خیر و شر^۲، وسوسه‌های نفسانی^۳، شیطان^۴، کفر، ظلم^۵، شرک، نفاق، طغیانگری^۶، و دیگر صفات رذیله^۷، موانع مشترک انسان، اعم از زن و مرد است و جهنم و عذاب‌های دنیوی و اخروی از جمله مهلکاتی است که برای هر دو صنف انسان وجود دارد.

۴) اشتراک در ابزار رسیدن به هدف

ارسالِ رسل و راهنمایان و انزال کتاب‌ها در قالب ادیان و شرایع، به‌منزله نرم‌افزار هدایت زن و مرد، و خلق همه موجودات و مخلوقات بر روی زمین و مسخرکردن همه

۱. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ رِزْقًا وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ اِنَّهُ لَعَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» (أنعام: ۱۶۵) و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به‌وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید. به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان، نادرست درآیند، زود می‌دهد در برابر حق‌پویان مهربان است).

۲. «فَاللَّهُمَّ فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ (شمس: ۸) سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است.

۳. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَتَعَلَّمْ مَا تَوْسُوْشُ بِهٖ نَفْسُهٗ»؛ (ق: ۱۶) ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم.

۴. «اِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ»؛ (یوسف: ۵) شیطان، دشمن آشکار انسان است!

۵. «اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ»؛ (ابراهیم: ۳۴) انسان، ستمگر و ناسپاس است!

۶. «كَذٰلِكَ اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكٰذِبٌ»؛ (علق: ۶) چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند.

۷. «اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكٰثِرٌ»؛ (عادیات: ۶) که انسان در برابر نعمت‌های پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

مخلوقات برای انسان، به مثابه سخت‌افزار هدایت، ابزار مورد نیاز زن و مرد را برای رسیدن به اهداف تبعی و غایی پوشش می‌دهد.

ب) تفاوت‌های تکوینی

تفاوت‌های جسمانی مربوط به تولید مثل و جهاز شیردهی، دوران قاعدگی، توانایی تولید مثل، استخوان‌بندی و نیروی بدنی، ظرافت و خشونت اعضا و جوارح، تفاوت‌های هورمونی، کمیت و کیفیت دریافت‌های حسی، انفعالات عاطفی و احساسی، کیفیت و کمیت گرایش‌های جنسی، کیفیت تعقل و مراتب هوشی از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در بُعد جسمانی تلقی می‌شود.

بسیاری از محققان و اندیشمندان در تبیین تفاوت‌های تکوینی، دودسته تفاوت‌های جسمانی و روانی را قسیم یکدیگر مطرح کرده‌اند که صحیح‌بودن این تقسیم‌بندی محل تأمل است؛ زیرا اگر انسان را ترکیبی از جسم و روح الهی بدانیم و روح را امری مجرد و بسیط فرض کنیم که تذکیر و تأنیث‌بردار نیست، پس هرآنچه را که این محققان و اندیشمندان وجه تمایزات روانی زن و مرد بر می‌شمرند، زیرمجموعه‌ای از تفاوت‌های جسمانی خواهد بود که ریشه در تفاوت‌های زیستی و بیولوژیک و مادی انسان دارد؛ چراکه روح انسان تأنیث و تذکیربردار نیست و تنها جسم است که به تأنیث و تذکیر و لوازم جنسیتی آن متصف می‌شود.

اصالت روح و فرعیت بدن، یا اصالت اشتراکی روح و بدن برای تحقق انسانیت بشر، اصالت وجود یا ماهیت، حرکت جوهری، تقدم و تأخر خلقت روح و بدن، کیفیت رابطه روح و بدن از مهم‌ترین مباحث فلسفی است که در اثبات یا رد ادعای مطرح‌شده بسیار مؤثر است، اما بررسی این‌گونه مباحث فلسفی، خارج از طاقت و موضوع بحث حاضر است، (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۸۳ - ۸۶) شایان ذکر است که یافته‌های علوم تجربی به شدت مؤید جسمانی‌بودن تفاوت‌های تکوینی زن و مرد است. بنابراین، از آن‌جاکه تکیه‌گاه اصلی داوری درباره فراتری و فروتری، بر تبیین دقیق تفاوت‌های تکوینی مبتنی است، اثبات دقیق این تفاوت‌ها بین زن و مرد، با استناد به آیات و روایات و یافته‌های

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

علوم تجربی از یک سو و بررسی خاستگاه تفاوت‌ها (زیستی، اجتماعی و...) و نیز تأثیر آن در قضاوت درباره فراتری و فروتری از سوی دیگر، اهمیت بسزایی دارد.

بررسی شبیهات

در این بخش به بررسی برخی گزاره‌های دینی می‌پردازیم که براساس آن‌ها، اسلام به فراتر یا فروتر دانستن خلقت زنان متهم شده است.

خیر و شر بودن زن

در روایتی از امام صادق علیه السلام از به ودیعه نهاده شدنِ بیشترین خیر در زنان سخن به میان آمده^۱ و نیز در روایتی نبوی اشاره می‌کند که راه رسیدن به بیشترین خوبی‌ها برای همه انسان‌ها از ایستگاه زنان می‌گذرد^۲، و از سوی دیگر، در روایت مرسله‌ای منسوب به امیرمؤمنان از تمام وجود زن، تعبیر به شر شده است.^۳

گذشته از این برخی محققان، تلاش و کوشش فزاینده‌ای دارند تا با بررسی سندی و اثبات عدم اعتبار روایت اخیر یا روایات شبیه به آن، این دسته روایات را از گردونه گزاره‌های دینی خارج کنند، اما باید دانست که اثبات بی‌اعتباری یک روایت به هیچ وجه، استلزام تام با جعلی بودن آن روایت ندارد؛ زیرا صرف مرسله بودن یک روایت یا ناشناس بودن راوی، و عدم توثیق یا ضعف راویان، و عوامل دیگری که به بی‌اعتباری روایت ختم می‌شود، دلیل تامی بر اثبات جعلی بودن روایت نیست. حتی اثبات کذاب بودن راوی نیز دلیل تام بر جعلی بودن یک روایت نیست؛ چراکه انسان دروغ‌گو هم ممکن است تنها برخی گفته‌هایش دروغ باشد، نه همه و نه حتی اکثر آن. حداکثر استلزامی که این عوامل

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

۱. «عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سَمْعَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»؛ اگر چه راویان مذکور ثقه هستند، ولی روایت به دلیل عدم ذکر راوی متصل به امام مرسله است. علامه مجلسی در «روضه» روایت را معتبر دانسته است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۵ و مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۹۳)

۲. أن التبي قال: «الجنة تحت أقدام الأمهات». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

۳. قَالَ: «الْمَرْأَةُ شَرٌّ كُلُّهَا وَ شَرٌّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بَدَّ مِنْهَا» راویان این روایت ذکر نشده‌اند؛ لذا به لحاظ سندی معتبر نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲)

(عواملی که به ضعف و بی‌اعتباری روایات ختم می‌شود) اقتضا دارد، حجیت نداشتن این‌گونه روایات، آن هم در حیطة احکام الزامی است. البته نتیجه‌ای که از این بیان می‌گیریم، به‌هیچ‌وجه تأیید انتساب این‌گونه روایات یا حتی تقویت آن‌ها نیست، بلکه در درجه اول لزوم احتیاط با مضامین این‌گونه روایات و در درجه دوم، هشدار به برخی اهل قول و قلم است که به صرف ضعف یک روایت، به انکار آن نپردازند. جعلی دانستن و انکار این‌گونه روایات، علاوه بر این‌که روشی غیرفنی و غیراصولی در مواجهه با روایات است، به‌نوعی حذف صورت مسأله به‌سبب ناتوانی در درک و حل مسأله نیز به‌شمار می‌رود. مهم‌تر آن‌که از نظر اخلاقی نیز مذموم و ناپسند است؛ زیرا همان‌گونه که نسبت دادن گزاره‌های کذب به امام معصوم علیه السلام زشت و مذموم است، دروغ دانستن گزاره‌هایی که احتمال دارد از ایشان صادر شده باشد نیز، امری خلاف احتیاط و مذموم است. برخی در کسوت دفاع از وجهه شرع و دین، با مقایسه ضمنی روایت: «المرأة شرّ کلّها و شرفیها لابدّ منها» با برخی ضرب‌المثل‌های ایرانی، مثل: «زن بلاست و خداوند هیچ خانه‌ای را بدون بلا نکند!» درصدد گذر از آن بر آمده‌اند به‌رحال، اگر هم بپذیریم که این روایت، ضرب‌المثلی در زبان عربی بوده، که در کلام پیشوای معصوم جاری شده است، از دو حال خارج نیست: یا باطل است و یا حق؛ اگر ضرب‌المثلی است که از حقیقت بهره‌ای نبرده است، نمی‌توان پیشوای معصوم را متهم به باطل‌گویی براساس محاوره باطل زمانش کرد و اگر ضرب‌المثل حقی است، وجه حقانیت آن نیازمند تبیین است.

اگر به مفهوم «نسبی بودن» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۳) و «عدمی بودن» (همان، ص ۱۵) شر و «متعلق» خیر و شر و «اصل عدم تفکیک خیر و شر نسبی» (همان، ص ۱۶۴) توجه شود، استبعاد بدوی از این‌گونه روایات مرتفع شده و می‌توان بین دو دسته از روایات را به‌خوبی و با تبیینی دقیق و عمیق جمع کرد. (همان) شهید مطهری می‌گوید:

خوبی‌ها و بدی‌ها در جهان، دو دسته متمایز و جدا از یکدیگر نیستند، آن‌طوری که مثلاً جمادات از نباتات و نباتات از حیوانات جدا هستند و صف‌های خاصی را به وجود می‌آورند. این خطاست که گمان کنیم بدی‌ها یک رده معینی از اشیاء هستند که ماهیت آن‌ها را بدی تشکیل داده و هیچ‌گونه خوبی در آن‌ها نیست و

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

خوبی‌ها نیز به نوبه خود، دسته‌ای دیگرند، جدا و متمایز از بدی‌ها. خوبی و بدی آمیخته به هم‌اند؛ تفکیک‌ناپذیر و جدا ناشدنی هستند. در طبیعت، آن‌جا که بدی هست، خوبی هم هست و آن‌جا که خوبی هست همان‌جا بدی نیز وجود دارد».

از این رو، هر جا خوبی بیشتری باشد، مقتضای بدی بیشتری نیز هست. اگر بیشترین و متعالی‌ترین استعدادها در انسان به ودیعه نهاده شده و از او مخلوقی برتر و افضل ساخته است،^۱ در عین حال، اگر بر اساس اقتضاء و هدف، استفاده نشود، همین افضل مخلوقات، مصداق بدترین و شرترین مخلوقات خواهند بود.^۲ در خصوص زن هم به عنوان صنفی از انسان، اگر بیشترین خیرها در مقایسه با مرد در وجود او به ودیعه نهاده شده و مصداق: «أكثر الخیر فی النساء» قرار گرفته، همین خیرها، در صورتی که در مسیر هدف خلقت او قرار نگیرید، همه‌اش شر می‌شود (کَلْهَا شَر) و او را در مقام و منزلتی فروتر قرار خواهد داد؛ زیرا هر جا خیر بیشتری باشد، زمینه سرمایه‌گذاری شیطان و شرارت نیز بیشتر خواهد بود. نکته دیگر در تبیین این روایت که با مفهوم نسبی بودن خیر و شر نیز پیوند عمیقی دارد، «متعلق» خیر و شر است. این که روایتی زن را مصداق شر یا خیر معرفی می‌کند، سؤال این جاست که برای چه کسی خیر و شر است؟ چه بسا قرآن کریم که مصداق اعظم رحمت و خیر الهی است، برای کسانی که حق قرآن را به‌جا نیاورند، چیزی جز شر و خسران نباشد، و چه بسا همین زن که مصداق «أكثر الخیر» برای خود، خانواده، جامعه و خلقت است، برای کسانی که تعامل صحیح و درستی با او نداشته باشند، همه‌اش شر باشد. بر این اساس، روایت «المرأة شرّ کَلْهَا» به جای آن که روایتی در تبیین شرارت تکوینی باشد، هشدار می‌دهد که همه انسان‌ها، به خصوص مردان، در نحوه تعامل با بهترین‌های خلقت خواهد بود.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَيْتِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (أسراء: ۷۰).

۲. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ». (أعراف: ۱۷۹)

حب زنان، بهترین و بدترین گرایش‌ها

در روایات پرشماری از امامان معصوم علیهم‌السلام به محبت ویژه و فراتر خداوند به جنس زن نسبت به مرد اشاره شده که مهرورزی با آنان، مقدمه شادکامی آخروی دانسته می‌شود.^۱ در جایی دیگر، حب زنان را از اخلاق پیامبران معرفی می‌کند.^۲ یا آن که حب به ولایت و حب زنان را ملازم یکدیگر دانسته^۳ و در امکان یا تحقق تعالی ایمانی مردان بدون محبت زنان تشکیک می‌نماید،^۴ درمقابل، روایاتی نیز وجود دارد که محبت به زنان را مذمت می‌کند؛ حب زنان را اولین عامل عصیان و مهم‌ترین دلیل انحراف از ایمان و بندگی خدا می‌داند^۵ و آن را یکی از ارکان فتنه و به مثابه شمشیر برنده شیطان معرفی می‌کند.^۶ اگرچه برخی فقها و محدثان، وجه جمع این دو دسته از روایات را، حمل روایات اخیر بر افراط در محبت به زنان، یا محبت به زنان غیرمحرم دانسته‌اند، (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۴) به نظر می‌رسد، چنین توجیهی، علاوه بر این که با اطلاق و عمومیت روایات مقابل آن در تنافی است، با مناطی که در برخی روایات دسته اول، که شرط ازدیاد ایمان، محبت و معرفت امام را محبت به زنان دانسته‌اند نیز همخوانی ندارد؛ زیرا به نظر می‌رسد افراط در محبت به نماز، محبت امام و شدت ایمان، که ملازم حب زنان دانسته شده است، مصداق نداشته باشد یا دست کم دلیل مذمت نبوده، بلکه ممدوح باشد. علاوه بر این که در برخی روایات، بر لزوم فزونی بخشی محبت به زنان تصریح شده است. وجهی که در جمع بین این دو دسته از روایات به ذهن می‌رسد، آن است که، به جای این که برای برون رفت از تعارض، به کمیّت حب (افراط در محبت زنان) متوسل شویم، به کیفیت محبت پردازیم. توضیح آن که، زن

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْأُنثَى أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةَ عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةَ إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ خدای بزرگ، به زنان مهربان تر از مردان است و هیچ مردی، زنی از محارم خود را خوشحال نمی‌کند، مگر آن که خداوند متعال او را در قیامت شاد می‌کند. (کلینی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۶).
۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ». (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲)
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «كُلُّ مَنْ أَشْتَدَّ لَنَا حُبًّا أَشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا». (همان، ص ۲۱)
۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزِدُّهُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ». (همان، ص ۲۲)
۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزِدُّهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ خَيْرًا إِلَّا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ». (همان)
۶. أَرَادَ بِهَذَا الْأَمْرَ التَّشْيِيعَ وَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۲۸)

پیچ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

به‌عنوان صنفی از انسان، دو ساحت معنوی و مادی دارد: ساحت معنوی که تجلی‌گاه روح الهی و مظهر صفات جمالیة خداوند است و ساحت مادی که استعدادها و لوازم حیات مادی و حیوانی را در خود جمع کرده، نمایانگر زینت‌گری خداوند متعال در عالم ماده است. گرایش و محبت به زن می‌تواند به هر یک از این شئون زن، متمرکز یا متورم گردد. محبت زنان دو‌گونه و کیفیت متفاوت دارد: گاه از سنخ لذات صرف مادی و گرایش‌های شهوانی و از جنس دنیاست و به تعبیر قرآن کریم: «حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ» که از سنخ «متاع الدنيا»، مایه فریب، کم‌ارزش و افسونگر است و می‌تواند زمینه‌ساز مهالک باشد و مهم‌ترین ابزار شیطان برای انحراف است. بسیاری از روایات درخصوص زن و گرایش به آنان، در این عرصه، تفسیر و تعبیر می‌شود. در روایات، چنین محبت و گرایشی، شمشیر برنده شیطان، مهم‌ترین عامل معصیت خداوند و بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به مقام بندگی خداوند و رسیدن به سعادت و بهشت رضوان الهی است. اما محبتِ تعالی‌بخش و ممدوح، در طیف و کیفِ مقابلِ حبِّ صرف مادی و دنیوی بوده، از جنس ایمان، ولایت و باقیات‌الصالحات است که نزد خداوند فراتر و برای انسان سعادت‌بخش است. بنابراین برخلاف «حب النساء» شهوانی که افراط در آن در تضاد با نماز است؛ این‌گونه محبت، عدل نماز و در مسیر اهداف نماز، یعنی رسیدن به مقام ایمان، عبودیت و ولایت الهی است؛ از این‌رو، در کنار حب به نماز، از اخلاق پیامبران قلمدادشده، افراط در آن، مفهومی ضد ارزشی نیست.

فراتری یا فروتری منشأ خلقت

درباره منشأ خلقت زن و مرد نیز با دو دسته روایات کاملاً متعارض، روبه‌رو هستیم که هرکدام دیگری را به‌طور کامل و به‌صورت غیرقابل جمع نفی می‌کند. دسته نخست: روایات پرشماری است که در کتاب‌های روایی اهل تسنن وجود دارد که روایان مورد اعتمادی (از دیدگاه علمای رجال و درایه اهل تسنن) از قول پیامبر مکرم اسلام ﷺ خلقت حوا را از دنده چپ حضرت آدم ﷺ دانسته‌اند. مضمون این روایت در کتاب‌های روایی

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

اهل تسنن به مرتبه شهرت و استفاضه رسیده است.^۱ در کتاب‌های روایی شیعه نیز، شبیه چنین مضمونی در چندین روایت منسوب به پیامبر مکرم اسلام (کنزالدقائق، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۱۳) و دیگر ائمه معصومین^۲ مطرح شده است؛ اگرچه غالب این روایات از نظر سندی معتبر نیستند، در بین آن‌ها روایت «حسن» نیز وجود دارد.

دسته دوم: احادیثی است که در نقطه مقابل روایات دسته اول قرار دارد و در برخی آن‌ها، مضمون روایات عامه به صراحت و به شدت تکذیب شده است. در روایتی «مشهور»، زراره از امام صادق^۳ و در مورد مضمون روایاتی که در بین علمای اهل سنت شهرت یافته و براساس آن، خلقت حوا را از دنده چپ آدم^۴ می‌داند، می‌پرسد که امام^۵ به شدت به آن واکنش نشان داده، می‌فرماید: «سبحان الله، خداوند منزّه است و بسیار برتر از آن‌که چنین کند؛ آیا خداوند توان آن نداشت که حوا را از غیر دنده آدم بیافریند و از این طریق، راه را برای بهانه‌گیران و هرزه‌گویان، باز گذارد که ادعا کنند: آدم با خود آمیخته است! اینان را چه شده است؟ خداوند، خود میان ما و آنان داوری کند». امام صادق^۶ در ادامه این روایت مفصل به چگونگی خلقت حوا اشاره کرده و به خلقت «بدیع» و نوآورانۀ حوا^۷... ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَوًّا... از همان گلی که آدم^۸ را سرشت، تصریح می‌نمایند.^۹ مضمون روایات دسته دوم، به چند دلیل بر روایات دسته نخست رجحان دارد؛ و از این رو در بین محدثان و فقهای شیعه شهرت دارد: نخست، به لحاظ سندی، اگرچه این روایت مرسله است یا در بین سلسله سند آن اشخاص مشترک و مجهول یافت می‌شود، لکن در بین فقهای شیعه شهرت بیشتری دارد، به خصوص این‌که در این باره، مخالفت با روایات عامه یکی از مرجحات آن تلقی می‌شود و وجود روایات موافق عامه را - با توجه به شهرت روایات عامه - می‌توان حمل بر تقیه نمود.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ حُبُّ النِّسَاءِ» حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۳۹.
۲. أمير المؤمنين عليه السلام: «الْفِتْنُ ثَلَاثَةٌ: حُبُّ النِّسَاءِ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ». (همان، ص ۲۶)
۳. «كَرَاهَةُ الْإِفْرَاطِ فِي حُبِّ النِّسَاءِ وَ تَحْرِيمُ حُبِّ النِّسَاءِ الْمُحْرَمَاتِ». (همان، ص ۲۴)
۴. «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹)

دوم آن که، مضمون روایات دسته اول، در ضمن داستان‌های شگفت‌آوری به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام نسبت داده می‌شود که مضامین آن‌ها با واقعیات مسلم حسی و تجربی و دیگر معارف اسلامی منافات دارد؛ از این رو، احتمال داستان‌پردازی‌های راویان این احادیث را تشدید می‌کند.

سوم آن که، روایات دسته نخست مشابهت بسیار زیادی با آموزه‌های تورات دارد و اتهامی که بر برخی راویان این احادیث مبنی بر داخل کردن «اسرائیلیات» در مجامع روایی وجود دارد، احتمال جعلی بودن این روایات را به‌طور چشمگیری بالا می‌برد؛ برای نمونه، مقایسه تطبیقی عبارات تورات و روایتی از ابوهریره در مجموعه روایات اهل تسنن، مؤیدی بر این مطلب است؛ در روایتی که توسط برخی از اهل کتابی که به اسلام گرویده‌اند، آمده است: «خداوند بر آدم خواب را مستولی ساخت، سپس دنده‌ای از دنده‌های پهلوی چپ او را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد، درحالی‌که آدم خواب بود تا این که خداوند همسرش حوا را از دنده او آفرید». (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۲۰) در تورات نیز چنین آمده است:

«و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب، نساء نامیده شد؛ زیرا که از انسان گرفته شد». (تورات، سفر پیدایش، ج ۲، ص ۲۲ و ۲۳)

چهارم آن که، روایات دسته دوم با آیات قرآن کریم که منشأ خلقت انسان و بشر را به‌طور عام از یک ماده یا گوهر وجودی می‌داند، مناسب‌تر و نزدیک‌تر است.^۱ اگر از تمامی مباحث فقه‌الحدیثی و بررسی صحت و سقم و اعتبار یا عدم اعتبار سند روایت یا ایراد خدشه در دلالت بگذریم، نکته مهم‌تر این است که برداشت مفهوم فروتری زنان از روایات خلقت زن از دنده چپ، بیشتر براساس مغالطه‌های احساسی و قیاس‌های باطل

۱. «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبَنِ وَ الْفَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْعَرْتُ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿۱۴﴾ (آل‌عمران: ۱۴)

است تا استدلال‌های عقلانی و مبانی دینی. اصولاً استدلال به منشأ خلقت جسمانی برای وجه مه‌تری و که‌تری، قیاسی شیطانی است. همان‌گونه که شیطان با استناد به منشأ خلقت خود (آتش) آن را دلیل مه‌تری خود بر آدم علیه السلام معرفی کرد و خداوند را متهم به بی‌عدالتی در دستورهایش نمود و دشمن انسان گردید. استدلال وهمی و خرده‌گیرانهٔ برخی فمینیست‌ها به این مطلب نیز به همان بیراهه می‌رود. گذشته‌ازاین، اگر بخواهیم براساس قیاس‌ها و مقیاس‌های مادی‌گرایانه دربارهٔ فراتری و فروتری مخلوقات به داوری بنشینیم، بی‌شک، خلقت حوا از اشرف مخلوقات، ارزشمندتر از خلقت آدم علیه السلام از پست‌ترین و متعفن‌ترین مواد مثل لجن سیاه و متعفن است. اما حقیقت آن است که خلقت بشر، اعم از زن و مرد، از پست‌ترین مخلوقات (لجن بدبو یا نطفهٔ نجس)، مدال آفرین الهی (فتبارک الله) را شایستهٔ احسن‌الخالقین نموده است و بی‌شک آنچه فضیلت‌بخش تکوینی بشر است، نه جنبهٔ مادی و لجن بدبو یا نطفهٔ متعفن، بلکه، قرارگرفتن روح الهی در مقام نشئهٔ ممتاز^۱ است، که به‌گونه‌ای یکسان و متعادل در زن و مرد دمیده‌شده، او را مسجود فرشتگان عالم قرار داده است. بی‌شک، آنچه باعث فضیلت حقیقی زن و مرد می‌گردد، تقوا و فرمان‌برداری خداوند است که استعداد آن درمورد زن و مرد به‌گونه‌ای متناسب، متعادل و براساس عدالت قرار داده شده است.

فرزندان دختر، بهترین یا بدترین فرزندان

ممکن است برخی خطابات قرآنی و روایات، موهم این مطلب شوند که فرزندان پسر ارزش فراتری نسبت به دختران دارند؛ مثلاً خداوند متعال در آیهٔ ۲۱ و ۲۲ سورهٔ نجم، این‌که مشرکان، خداوند را به داشتن دختر متصف می‌کنند و برای خود فرزندان پسر را ارزش می‌دانند، نوعی تقسیم ظالمانه خواند یا در آیات متعدد دیگری (ر.ک: نحل: ۵۷ - ۵۸؛ طور: ۳۹ و زخرف: ۱۶ - ۱۸) با نوعی استفهام توییخی و انکاری، مشرکان را به‌سبب انتساب دختران به خداوند یا برگزیدن دختران به‌جای پسران به‌شدت توییخ می‌کند. برای روایات نیز این اشکال مطرح می‌شود که با وجود آن‌که ائمهٔ معصوم علیهم السلام در روایات متعددی،

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

^۱ «وَمِنْ أَنْشَانَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مومنون: ۱۴)

توصیه‌هایی برای پسرشدن فرزند داشته‌اند، ولی هرگز دستور عملی برای دخترشدن فرزند ارائه نداده‌اند و این مؤیدی بر فروتری فرزند دختر در دیدگاه پیشوایان اسلام است. در پاسخ به این شبهه باید متذکر شد که اولاً، قرآن کریم در آیه ۴۹ سوره شوری ضمن تعریض به مطلوبیت فرزند پسر و منفور بودن دختر نزد عرب جاهلی، هردو را موهبت و هدیه الهی معرفی می‌کند و در آیات متعدد دیگر فروتر دانستن فرزندان دختر نزد عرب جاهلی را مذمت و سرزنش می‌نماید.

ثانیاً، همان‌گونه که از آیات مورد شبهه استنتاج می‌شود، توبیخ و انکار در آیات، ناظر بر روش غیرعادلانه قضاوت است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴) نه ناظر بر تأیید نظر مشرکان درباره فروتری تکوینی فرزندان دختر. آیه مزبور، در مقام استدلال جدلی بر ضد این روحیه ناعادلانه و ظالمانه مشرکان است که چرا دخترانی را که خود بد می‌دارید به خداوند نسبت می‌دهید، ولی پسران را که خوب می‌پندارید برای خود می‌خواهید؟

ثالثاً، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در روایات پرشماری به جایگاه ویژه فرزند دختر نسبت به پسر تأکید کرده و به مقدم‌داشتن زنان بر مردان سفارش کرده‌اند. شیخ کلینی در کتاب شریف «الکافی» و علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول»، بابی از روایات را با عنوان روایات مربوط به «فراتری دختران» اختصاص داده‌اند؛ علاوه بر این، ابواب متعددی از کتاب شریف «وسائل الشیعه» نیز به فضیلت و برتری فرزندان دختر بر پسر اختصاص داده شده است؛ به عنوان مثال «باب استحباب طلب البنات و إكرامهن» (باب مستحب بودن طلب فرزند دختر از خداوند و بزرگداشت دختران) و «باب كراهة كراهة البنات» (باب کراهت بد دانستن دختران) و نیز ابواب دیگری از روایات که به مقدم داشتن دختران نسبت به پسران در رفتار و ابراز محبت یا هدیه‌دادن و امثال آن توصیه کرده است.

در ذیل به برخی روایات وارده از پیامبر اکرم و ائمه معصوم علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «بهترین فرزندان شما دختران هستند» و نیز فرمود:

«دختران بهترین فرزندان هستند. هرکس که یک دختر دارد، خداوند دخترش را

مانعی از آتش برایش قرار می‌دهد و هرکس که دو دختر دارد، خداوند او را

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

به واسطه آن دو دختر به بهشت می‌برد و هرکس سه دختر دارد و یا به اندازه آن خواهر دارد، خداوند جهاد و صدقه‌دادن را از او بر می‌دارد». در روایت دیگری از پیامبر ﷺ آمده است: «خداوند رحمت کند بر پدر دارای چند فرزند دختر؛ دختران، بابرکت و دوست‌داشتنی هستند و پسران، بشارت‌دهنده و شادکننده هستند و دختران، باقیات‌الصالحات هستند (چیزهایی که پایدار و باقی می‌ماند و شایسته است)». و نیز فرمودند: «هرکس یک دختر دارد، خداوند او را کمک می‌کند و یاری می‌نماید و برکت می‌دهد و او را می‌آموزد». همان بزرگوار فرمود: «هرکس یک دختر دارد، برای او بهتر از هزار حج و هزار جهاد و هزار شتر یا گاو که هدیه مکه کند و هزار مهمانی‌دادن است». رسول خدا ﷺ در حدیث دیگری فرمود: «خانه‌ای نیست که در آن دختران باشند، مگر این که هر روز بر آن خانه دوازده برکت و رحمت از آسمان نازل می‌شود و زیارت فرشتگان از این خانه قطع نمی‌گردد و فرشته‌ها برای پدرشان هر روز و شب عبادت یک‌سال را می‌نویسند». پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هرکس دختری دارد، با او دشمنی نکند، به او اهانت ننماید و فرزندانش را بر او مقدم ندارد، خداوند او را به بهشت وارد می‌سازد». پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «هرکس که وارد بازار شود و هدیه‌ای بخرد و آن را برای افراد تحت کفالتش ببرد، او به سان کسی است که صدقه‌ای برای مردمی نیازمند ببرد و باید که پیش از پسران به دختران آغاز کند، چون هرکس دخترش را شاد سازد، گویا که فردی از فرزندان اسماعیل عليه السلام را آزاد ساخته است و هرکس چشم پسری را روشن و شاد سازد، گویا که از ترس خدا گریسته و هرکس از ترس خدا بگرید خداوند او را به بهشت نعیم وارد سازد». به پیامبر اکرم عليه السلام بشارت ولادت دختری داده شد، حضرت به چهره‌های یارانش نگریست دید که ناراحت شده‌اند فرمود: «چه می‌شود شما را! گلی است خوش‌بو که او را می‌بویم و روزی‌اش بر خداوند - عزوجل - است». (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۶۵۹)

جارود بن منذر گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: «به من خبر رسیده که دختری برایت متولد شده که از او بدت می‌آید، این دختر چه زحمتی برای تو

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

دارد؟ گُلّی خوش بو است که او را می‌بویی و روزی او را دیگری کفایت می‌کند (منظور خداوند است) و رسول خدا ﷺ پدر چند دختر بود». (همان) در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آن حضرت فرمود: «دختران، حسنات (نیکی‌ها) هستند و پسران، نعمت، البته بر حسنات ثواب داده می‌شود و از نعمت‌ها سؤال می‌شود». راوی گوید: در مدینه ازدواج کردم، امام صادق علیه السلام از من پرسیدند: «ازدواجت چگونه بود؟» در پاسخ عرض کردم: همه خوبی‌هایی که از یک زن می‌توان دید در همسرم دیدم، ولی او به من خیانت کرد، امام فرمود: «چه خیانتی؟» گفتم: دختر زاییده است، امام علیه السلام فرمود: «گویا دختر را خوش نداری؟ خداوند - عزوجل - می‌فرماید: شما نمی‌دانید پدران [و مادران] و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند». (همان) فردی از شیعیان دختردار شد، خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام او را ناراحت و خشمگین دید، به او فرمود: «اگر خداوند به تو وحی کند که من برایت انتخاب کنم یا تو برای خودت برگزینی، چه می‌گویی؟» آن شخص گفت: به خدا عرض می‌کنم که تو برایم انتخاب کنی. حضرت فرمود: «خداوند برای تو انتخاب کرده است». آن‌گاه حضرت فرمود: «به جای پسری که عالم همراه موسی علیه السلام او را کشت، خداوند به آن پدر و مادر، دختری داد که هفتاد پیامبر از او پدید آمد و این همان فرموده خداوند - عزوجل - است: از این رو خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاک‌تر و دلسوزتر به آن دو بدهد». (همان)

بنابراین، روایت‌های زیادی در این زمینه وجود دارد، که جای هرگونه شبهه در نگاه ارزشی به فرزندان دختر و محبت ویژه خداوند به همه انسان‌ها و به‌طور ویژه زنان را از بین می‌برد.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

نکته آخر درباره توصیه‌ها به پسرشدن فرزند در روایات و ادعای عدم وجود چنین توصیه‌هایی درباره دخترشدن فرزند، این است که، با وجود این که در برخی روایات نیز دستوری برای دخترشدن فرزند وجود دارد^{۳۸}، ولی باید اذعان کرد که روایات مربوط به پسرشدن فرزند زیادتر است و شاید یکی از دلایل این امر، آن باشد که بیشترین سئوالاتی

که مردم از ائمه معصومین درباره تعیین جنسیت فرزند می‌کردند، ناظر بر آموزش روش پسرشدن فرزندانشان بوده است و روایات رسیده از حضرات ائمه معصومین نیز در جواب این درخواست پرسش‌کنندگان بوده است؛ از این رو، با وجود تصریح پیشوایان به ارزشمندی فرزندان دختر، نمی‌توان از این موضوع فروتری آنان را نتیجه گرفت.

«عورت» بودن زن در روایات؛ نتیجه فروتری یا فراتری

برخی با استناد به روایات و حکم پوشش برای زنان، این‌گونه استدلال می‌کنند که از نظر اسلام، زن شبیه عورت و آلت تناسلی است یا آن‌که حداکثر به معنای چیزی است که به دلیل زشتی و قباحتش بایستی پوشانده شود! اگر زن در قرون وسطا با حیوان مقایسه می‌شد، در اسلام نیز با اسافل اعضای انسان مقایسه می‌شود و این حاکی از نگاه فروتر اسلام به شخصیت و خلقت زن است.

با قطع نظر از پاسخ‌های نقضی و جدلی مفصلی که می‌توان به این شبهه غیرعلمی داد و با چشم‌پوشی از آیات و روایاتی که در تبیین شخصیت ممتاز زن از نظر اسلام در قرآن و سنت وارد شده است و در این نوشتار به برخی موارد اشاره شد، می‌توان ادعا کرد که در هیچ روایتی، زن به عورت به معنای آلت تناسلی تشبیه نشده است. در روایت همواره زن به ریحانه، رحمت، برکت، باقیات‌الصالحات، مصداقی از افضل مخلوقات الهی و کسی که استعداد جان‌شینی خداوند بر روی زمین را داراست، تعبیر شده است.

در روایتی منسوب به پیامبر مکرم اسلام ﷺ آمده است: «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۸۲) برخلاف معنای استعاره‌ای و عرفی که در زبان محاوره‌ای وجود دارد، «عوره» در زبان عرب و همچنین در آیات و روایات، به معنای آلت تناسلی نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ سَتَرَ عَلَيَّ مُمْرِنٍ عَوْرَةَ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً»؛ (همان، ج ۲، ص ۴۰۶) کسی که «عورتی» از مؤمن را بپوشاند خداوند متعال هفتاد عورت از عورات او را می‌پوشاند. اگر معنای عورت را آلت تناسلی بدانیم، معنای این روایت و امثال آن بسیار سخیف و حتی مضحک خواهد بود! برای فهم دقیق معنای این‌گونه روایات، بایستی ضمن تبیین مفردات روایات، به ارائه تبیینی پرداخت که با روایات و احکام مسلم فقهی نیز

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

منافات نداشته باشد. «عوره» در زبان عرب به معنای چیزی است که محافظت و پوشاندن آن ضرورت دارد. عرب‌ها به خانه‌ای که حفاظ و درب و دیوار ایمنی ندارد «عوره» می‌گویند. در قرآن کریم آمده است: «ان بیوتنا عوره» (احزاب: ۱۳) این عبارت از زبان منافقان در مقام بهانه‌جویی برای عدم همراهی با نبی مکرم اسلام ﷺ در جنگ آمده است؛ یعنی «خانه‌هایمان بدون حفاظ بوده و نیازمند نگهداری است» [لذا نمی‌توانیم به جنگ برویم].

با این توضیح و دو مثالی که مطرح شد، مشخص می‌شود که لفظ عورت می‌تواند بر شیء گران‌بها یا شیء زشتی که پوشش هردو از دیگران ضرورت دارد، استعمال شود؛ از این رو، به آلت تناسلی مرد یا زن نیز که عرفاً نیازمند حفظ و پوشش از نگاه دیگران است، به صورت کنایی «عوره» می‌گویند، نه به این معنا که عورت به معنای آلت تناسلی باشد. با این تبیین، روشن می‌شود که منظور از «النساء عوره» یا در روایت دیگری «للمرأة عورا»؛ (علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۶، ص ۷۰) یعنی این که همه بدن زن نیازمند پوشش از نگاه نامحرمان است. حکمت آن نیز دقیقاً به خاطر ارزشمندی و گران‌بهای ویژه‌ای است که خالق هستی در وجود زن به‌عنوان مظهر صفات جمالیة الهی قرار داده است و خلقت زن را به‌گونه‌ای ترسیم نموده که تمام بدن او برای مرد جذاب و خواستنی است، لذا همه بدن او نیازمند پوشش و محافظت است.

کشتزار بودن زنان، نشان از فراتری یا فروتری؟

برخی شبهه‌افکنان، تشبیه و تمثیل قرآنی «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»؛^۱ زنان شما کشتزار شمایند و کیفیت ارتباط جنسی با زن «فَأَنْتُمْ حَرْثُكُمْ أَنْتُمْ»؛ هر زمان و مکانی که اراده کردید به کشتزارهای خود وارد شوید، را دلیلی بر فروتری و انفعال زنان جلوه می‌دهند و آن را ناشی از نگاه ابزاری به زن می‌دانند، که سلطه مرد بر زن را نهادینه و او را در حد یک ابزار جنسی و شهوانی تنزل می‌دهد.

در یک پاسخ اجمالی باید متذکر شد که این آیه برخلاف برداشت جدل‌آمیز

۱. «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَنْتُمْ حَرْثُكُمْ أَنْتُمْ وَ قَدْ مَوَّاهُ لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره: ۲۲۳).

شبهه‌کنندگان، در مقام تبیین شأن و منزلت متعالی زن، جهت‌دهی و تقدیس رابطه جنسی مؤمنانه و هشدار به مردان برای حفظ منزلت زنان و مقدس‌بودن ماهیت رابطه جنسی است.

قرآن کریم در آیات متعددی متذکر می‌شود که تمثیلات قرآنی را نبایستی مستمسک جدل و بهانه‌گیری‌های شبه‌علمی کرد.^۱ مسلم است که در هر تمثیلی، وجه تمثیلی هست که مراد حقیقی گوینده است، نه وجوه جدل‌انگیز و بهانه‌جویانه دیگر. اگر متکلمی می‌گوید: حسن مثل شیر است، منظور او توصیف حسن به شجاعت و دلیری است، نه این که مجادله‌کننده‌ای بگوید: متکلم، حسن را به حیوان و درنده‌بودن و بوی متعفن دهان متصف کرده است! در این قبیل تمثیلات قرآنی نیز، وجه تمثیل از صدر و ذیل آیه کریمه و آیات قبل مشخص می‌شود.

در آیه ۲۲۲ بقره (قبل از آیه مورد اشاره) مسئله «حیض» زنان بررسی شده است که در حقیقت، پاسخی به افراطی‌گری یهود و لابیالی‌گری مسیحیان درباره زنان حیض بود. جمعی از یهودیان با نجس دانستن زن و تحقیر او در زمان حیض، هرگونه معاشرت و حتی هم‌خانگی و هم‌غذایی با زنان حیض را تا مدتی بعد از آن، حرام می‌دانستند. در مقابل، مسیحیان هیچ فرقی بین زن حیض و غیرحیض در نحوه ارتباط زناشویی قایل نبودند، که قرآن کریم بعد از اشاره به ماهیت حیض زنان و لزوم مراعات آنان در زمان حیض، در آیه ۲۲۳ سوره بقره در ضمن تمثیلی، این نگاه فروتر جامعه مسیحی و یهودی به زن را محکوم کرده و ترسیمی دقیق و لطیف از شأن و جایگاه زن، رابطه جنسی و نقش مرد در این رابطه را به تصویر می‌کشد.

علامه طباطبایی ضمن اشاره به برخی نکات تفسیری، پرده از ظرافت تشبیهی‌ای که در این آیه به کار رفته برداشته، می‌نویسد:

«نسبت زنان به جامعه انسانی همانند کشت و زرع و کشتزار است برای انسان؛ همان‌گونه که برای بقای نوع بشر نیاز به کشت و زرع و کشتزار است، به‌گونه‌ای

۱. «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»؛ (کهف: ۵۴) و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده‌ایم، ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد

که بدون آن حیات بشری ممکن نیست، بشر برای ادامه حیات خویش و به وجود آمدن نسل‌های بعدی نیاز به زن دارد؛ چراکه خداوند تکون آدمی را در رحم زن قرار داده و از سویی مرد را علاقه‌مند به زن قرار داد و میان آنان مودت و رحمتی توأم با عشق و علاقه آفرید و با آمیزش این دو صنف است که نوع بشر به حیات خویش ادامه می‌دهد». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۸۳)

براین اساس، این آیه به قرینه آیه قبل - در مقام هشدار به کسانی است که زن را صرفاً وسیله‌ای برای اطفای شهوت قلمداد کرده و او را در حدّ یک ابزار شهوت‌رانی تنزل داده‌اند - زن را به مثابه بوستان و مرد را به مثابه باغبان و عمل جنسی را بذرافشانی برای تولید حیات و وظیفه خطیر تکثیر و پرورش نسل دانسته که از جنس عبادت و رفتارهای متعالی انسانی و نه صرف جفت‌گیری حیوانی است و بایستی توشه‌ای برای آخرت انسان باشد ﴿وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾. در ادامه، آیه متناسب با شأن و جایگاه مقدسی که برای زن و رابطه جنسی ترسیم می‌کند، مردان را به تقوای الهی در این رابطه سفارش می‌کند و به نظارت و حسابرسی الهی درباره آن هشدار می‌دهد ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُونَ﴾.

نتیجه‌گیری

بررسی نظام شخصیت (حقیقی و حقوقی) زنان و مردان، مهم‌ترین داده‌ها برای قضاوت در مورد فراتری و فروتری از دیدگاه اسلام را مهیا می‌کند. در این باره، بایستی نخست، داشته‌ها و نداشته‌ها، نقاط قوت و ضعف، استعدادها و موانع زن و مرد برای رسیدن به کمال در دو حوزه تکوین و تشریح (مؤلفه‌های شکل‌دهنده شخصیت حقیقی و حقوقی زن و مرد) را احصا نموده، سپس در دو کفه ترازو ریخته و نسبت آن را با نقطه معیار (اهداف تبعی و اهداف نهایی) بسنجیم تا قضاوتی شایسته درباره فراتری و فروتری هر کدام از دو جنس به دست آوریم.

با مراجعه به محکّمات دینی از قرآن و روایات مشخص شد که در نگاه اسلامی، خلقت الهی براساس «نظام» و «بهترین نظام» آفریده شده و زن و مرد نیز به بهترین شکل در این نظام احسن جای می‌گیرند. اشتراک در مبدأ، ماده، منشأ، خلقت مادی و معنوی،

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

اشتراک در هدف نهایی و بسیاری از اهداف تبعی، اشتراک در استعداد‌های لازم برای رسیدن به اهداف و اشتراک در ابزار لازم در این جهت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین جلوه‌های هستی‌شناسی زن و مرد است که آنان را در جایگاهی برابر قرار می‌دهد. گزاره‌های ناظر به فراتری یا فروتری زنان، همگی ناظر بر اهداف تبعی و ارزش‌های ابزاری است که بی‌شک، لازمهٔ نظام احسن خلقت بوده و از اصل «جبران» تبعیت می‌کند.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

فهرست منابع

قرآن کریم

تورات

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن أبی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۵.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *منهج الدعوات*، ترجمه: محمد تقی بن علی نقی، چاپ اول، رایحه، تهران، ۱۳۷۹.
۴. باربارا و آلن پیز، *چرا مردان گوشت نمی دهند و زنان نمی توانند نقشه بخوانند؟* ترجمه: ناهید رشید و نسرین گلدار، نشر آسیم، تهران، ۱۳۸۲.
۵. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعه*، ۳۱ جلد، چاپ اول: انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶.
۶. بنوات گرو، *زن از دید مردان*، ترجمه: محمدجعفر پوینده، چاپ اول: انتشارات جامی، تهران، ۱۳۷۷.
۷. پاملا ابوت و کلر والاس، *درآمدی بر جامعه شناسی نگرش های فمینیستی*، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، چاپ اول: انتشارات دنیای مادر، [بی جا] ۱۳۷۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۹. حافظ اصبهانی، *ذکر اخبار اصبهانی*، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، [بی تا].
۱۰. حسینی طهرانی، محمدحسین، *نور ملکوت قرآن*، انتشارات علامه طباطبائی، مشهد، ۱۴۱۳ق.
۱۱. رزماری تانگ، *درآمدی جامع بر نظریه های فمینیستی*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، چاپ اول: نشر نی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. زیبایی نژاد، محمدرضا، *هویت و نقش های جنسیتی*، چاپ اول: مرکز امور زنان و

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

- خانواده ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ۳۰ جلد، چاپ اول: مؤسسه آل‌البتیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. علی بن موسی الرضا علیه السلام، *صحیفة الإمام الرضا علیه السلام*، ۱ جلد، چاپ اول: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۱ جلد، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. -----، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مجلسی، محمد تقی، *روضة التّقیین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ۱۴ جلد، چاپ دوم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور؛ قم، ج ۸، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا، *از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم)*، تهران، شیرازه، ۱۳۸۱.
۲۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ۲۷ جلد، صدرا، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۲۸ جلد، چاپ اول: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵